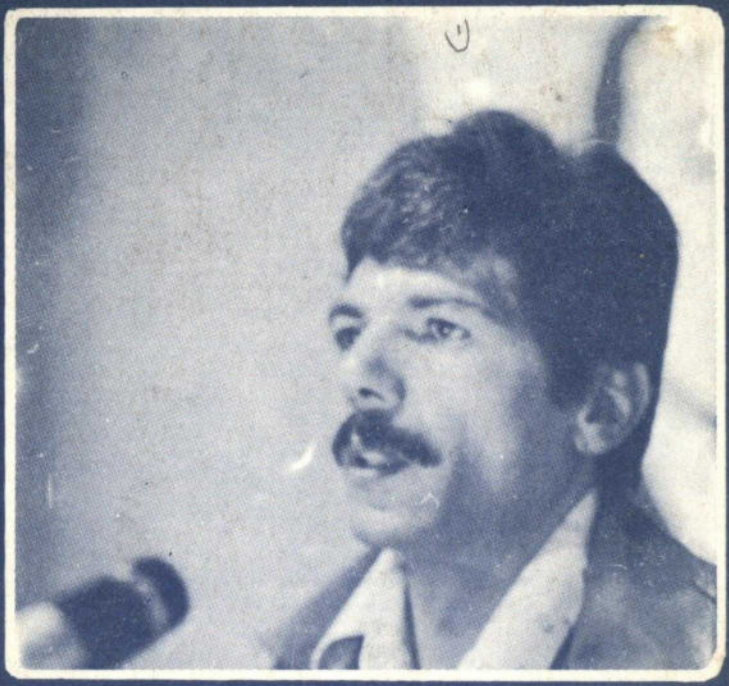

سخنرانی برادر مجاهد

محمد علی جابرزاده انصاری

عضو شورای تحریریهٔ نشریه مجاهد

در دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان

لاب
لمی
۷
۱
۳

بها ۲۰ ریال

انجمن
دانشجویان مسلمان
دانشگاه اصفهان

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
دفتر انتشارات اسلامی
تأسیس ۱۳۵۸

سخنرانی برادر مجاهد

محمدعلی جابرزاده انصاری

کتابخانه تخصصی
تاریخ اسلام و ایران
تاسیس ۱۳۷۴

عضو سازمان مجاهدین خلق ایران

و عضو شورای تحریریه نشریه مجاهد

کتابخانه دفتر انتشارات اسلامی
وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
مسلسل ۳۰۴۹۹
قفسه ۹۹
ردیف ۹
شماره ۲۰۳

در دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان

* سخنرانی مجاهد محمدعلی جابرزاده انصاری

* این سخنرانی مستقیما از روی نوار پیاده شده است

* تنظیم : انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه اصفهان

الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه الانخافوا ولاتحزنوا والبشروا بالجنت التی کنتم توعدون .

در آغاز گرامی میداریم خاطره مجاهدین خلق پرسنل انقلابی ارتش سرگردعلی محبی و محمد رضا طلوع شریفی را ، همان شهیدانی که گفتند پروردگار ما الله است آنگاه استقامت ورزیدند همان شهیدانی که در راه آزادی این میهن و این خلق جان باختند و میثاق خونین خود را بما سپردند تا راه شکوهمند وانقلابی آنان رادنبال کنیم بخصوص دراین شرایط که روزهای حساس و سرنوشت سازی را در پیش داریم روزهائی که شهیدان ما ، دهها هزار شهید و شهیدان پیشتازی که در سالهای خفقان و دیکتاتوری رژیم شاه در راه آرمان جامعه بی طبقه توحیدی خون خود را نثار کردند وهم اکنون درانتظارند تا خلق ما این راه انقلابی را تا اوج قله رهائی ادامه

دهد ودست امپریالیست ها مرتجعین وسازشکاران را از سرنوشت این خلق کوتاه کند. ما ضمن بزرگداشت خاطره این شهیدان میثاق خونین خود را با این راه، راه رهائی، راه تکامل، راه خدا و خلق تجدید میکنیم و درست با بزرگداشت این شهیدان تجدید میکنیم عهدمان را، عهدخونینمان رابخصوص دراین چشم انداز روشن.

اما قبل از هرچیز لازم است با نقلابمان گذری‌کنیم مراحلی راکه طی کردیم و مراحلی راکه در پیش داریم مشکلات وتضادهائی که با آن روبروهستیم و و از متن این مشکلات چاره‌ها وراههای حل این تضادها را پیداکنیم. همه میدانیدکه قیام خلق ما برهبری امام خمینی و با قاطعیت های ایشان که تبلور قاطعیت و مقاومت خلق ما بود در بهمن ماه پارسال به‌پیروزی رسید دهها هزار شهید درراه‌پیروزی این قیام جان باختند طبیعی بودکه بسیاری‌ازامید-ها و در راس‌آن امید رهائی در دل میلیونها انسان

ایرانی شکوفا بشود. اما جریانات بعدی نشان داد که میراث خواران انقلاب، فرصت طلبان، سازشکاران، مرتجعین وکسانی که در یک کلام رنج و غمی از این انقلاب بدل نداشتند دست اندرکار شدند و راهی راکه میرفت تا قطع کامل ایادی امپریالیزم از این میهن ادامه پیدا کندتا حدودی عقیم ساختند. شاید پارسال در چنین روزی بود که مجاهدین خلق ایران مواضعشان را در مقابل دولت جدید اعلام کردند ونسبت به آینده انقلاب هشدار دادند وبخصوص دست اندرکاران جدیدرا.

بخاطر دارید که آنزمان بسیاری مارک منافق ضد انقلاب و چیزهائی که در شان خودشان بودنثار سازمان کردند چون حقیقت‌را میگفت، اما یکسال نگذشت و نگذشته است که بسیاری از حقایق روشن شده است اگرچه تلاش براین است که همه حقیقت پنهان بماند. کسانی که تا دیروز انتقاد حقیقت جویانه برآنها با مارک ضدانقلاب وضد اسلام محکوم

میشد امروز رسوای خاص و عام شدند، شاید برای کمتر کسی جای تردید مانده باشد که چه کسانی سررشته امور را بدست گرفتند و این درحالی بود که بلافاصله بعد از سقوط رژیم شاه خلق ما یکصدا فریاد میزد " بعد از شاه نوبت آمریکاست " به ایندلیل که ماهیت و محتوای انقلاب ما ضد امپریالیستی بود و این طبیعی ترین قدم و مسیری بود که در انتظار انقلاب ما بود. اما همان سازشکاران همان مرتجعین که تنها دردی که نداشتند ضدیت و دشمنی با امپریالیزم بود همه خصومتها و همه ضدیت ها را علیه انقلابیون اصیل خلق و در راس آن سازمان مجاهدین خلق ایران متمرکز کردند.

شاید در تاریخ بی سابقه باشد که خلقی اینچنان یکپارچه ، یکدل ، یکزبان ، فداکارانه و جانبازانه که حتی با دست خالی جلوی گلوله و توپ و تانک و مسلسل برود این اوج بسیج یک خلق

نه
و اوج آمادگی اوست . بسیجی که میتوانست پشتوا
یک انقلاب اصیل ضد امپریالیستی باشد و تا قطع
تمامی وابستگی ها ، تمام پایگاههای امپریالیزم
ادامه پیداکند. و در مسیر ارتقاء خود به محو
استثمار و تحقق جامعه بی طبقه توحیدی بیانجامد
اما همه دیدند ودیدیم که چه بر سراین انقلاب
آوردند . اکنون بسیاری از مسائل روشن شده است
دست فریبکاران تاحدودی رو شده است اگرچه تا
پایان عصر عوامفریبی بازهم مسیر طولانی در پیش
است اما ما آغاز یک پایان را هم اکنون تجربه
میکنیم دیدیم که چگونه در پشت نام امام وباسوء
استفاده از اعتماد مردم نسبت به امام تمامی
مواضع ارتجاعی وسازشکارانه را توجیه میکردند
ضدیت با انقلابیون اصیل را بعنوان ضدانقلاب توجیه
میکردند هنوز چندماه از سقوط رژیم آریامهری
نگذشته بود که بازهمان چماقداران و چماق بازی
براه افتاد و از قضا در بین این چماقداران و

سردمدا رانشا ن همان کسا نی بودندکه در رژیم شاه این جریا نات را راه میا نداختند و آن هم علیه کسا نی که در پیشا پیش صفوف خلق علیه همان رژیم شاه می جنگیدند .

البته صرف نظر از مواضع قاطع امام بافت سیستم اساسا اقتضاء میکرداین حرکات را یک بافت لیبرالی و از سوی دیگر یک ارتجاع انحصار طلب که حق نفس کشیدن سیاسی را برای هیچ نیروی سیاسی ، انقلابی و حتی اصیل ترین انقلابیون مسلمان قائل نبود و بازاین از طبیعت ارتجاع می‌جوشید چون بارشدنیروهای انقلابی صحنه از وجود مرتجعین پاک خواهد شد آن کسانی که تا دیروز ، انتقاد انقلابیون را علیه ماهیت لیبرالی و سازشکار سیستم بعنوان ضد انقلاب محکوم میکردند و همانهاکه دست دردست لیبرالها بشکارانقلابیون میپرداختند امروز پز ضد لیبرالی گرفته اندبه هرحال از آنجا که تمام دردها و رنجهای خلق ما

وهمه خلقهای زیرستم ازوجود امپریالیزم وحاکمیت ووابستگی های امپریالیستی است انقلاب ایجاب میکرد که در مسیر قطع این وابستگی ها پیش برود. واین چیزی بودکه ازابتدا انقلابیون بر آن تاکید داشتند ، ازهمان ابتدا معلوم بود کسانی که حاضر نیستند حتی لیست ساواکیهای جنایتکار و شکنجه گران را افشاء کنند کسانی که حاضر نبودند حتی قرار دادهای امپریالیستی را درمعرض اطلاع مردم قرار دهندچگونه میتوانستند مبارزه اصیل ضد امپریالیستی را عمل و هدایت کنند.

رمگرممکن است رهائی خلق ما وپیشروی در مسیر این انقلاب بدون قطع این وابستگیها میسرشود. بهرحال علیرغم تمام امیدهائی که بعدازسقوط رژیم شاه در دل این خلق شکوفا شده بود یکی بعدازدیگری پژمرده میشد، البته مرتجعین انحصار طلبان و سازشکاران در پشت چهره های اسلام پناهی موضع میگرفتند و تمامی مواضع سازشکارانه وارتجاعی

را بنام اسلام وبنام انقلاب توجیه میکردندکه البته دراین زمینه صرفنظر از سرنوشت خلق که ببازی گرفته میشد این چهره اصیل مکتب انقلابی اسلام بود که لوث میشد.

البته ما شاهد بودیم کسانی که علیه انقلابیون اصیل موضع گرفتند در دوران خفقان ودر دوران سکوت تقیه را توصیه میکردند. مگر نبود که میگفتند درآن شرایط تیره وتار جهاد ـ برای چی ؟ که گفته است ؟ ، چه کسی اجازه داده است ؟ ولی پیشتازان اصیل خلق بدون توجه به این سازشکاریها و توجیه کاریها ، دسته دسته جلوی جوخه های اعدام میرفتند واصغر بدیع زادگان و سایر مجاهدین شهید بافریادزنده باد اسلام،زنده باد قرآن گلوله های دژخیمان را پذیرا میشدند. بله،در آن شرایط بزعم مرتجعین ،مجاهدین اجازه نداشتند مبارزه کنند یا بخیال آنها مبارزه دیوانگی بود ولی بعداز پیروزی قیام خلق وبعد

از شهادت دهها هزارتن از هم میهنان ما همین اصحاب تقیه انقلابیون دو آتشه از آب درآمدندو علیه همان انقلابیون صدیق موضع گرفتند واین در حالی بود که تمامی انقلابیون آگاه وبالاخص سازمان مجاهدین خلق ایران از فردای پیروزی قیام در مورد لزوم ادامه مبارزه ضدامپریالیستی مداوماً و مکررا تاکید میکردند شاید بخاطر داشته باشید در آن برنامه حداقل انتظارات از جمهوری اسلامی که درتاریخ ۲۷ اسفندسال ۱۳۵۷ — سازمان منتشر کرد، تمامی توطئه هائی که بعداً مواجه با آن بودیم وتمامی مسائلی که متناسب با این مرحله ازانقلابمان بود درآن پیش بینی شده بود ولی طبیعی بودکه درآن شرایط کمتر کسی شاید زمینه پذیرش آنرا داشت جزاصیلترین و آگاه ترین نیروها .

پر

ولی مسئله باینجا ختم نشد یکسال،یکسال تحرک و پرتلاطم در مسیر این انقلاب باعث شد که

مواضع روشن بشود از یکطرف صف کسانی که مداوم و مکرر باسم امام و باسم اسلام همه ارزشهای انقلابی را لوث میکردند وبی توجه به سرنوشت خلق ، بی توجه به سرنوشت انقلاب و تمامی ارزش هائی که باخون شهدا دراین میهن تثبیت شده بود براه خودشان وبکارخودشان ادامه میدادند و در سوی دیگر انقلابیون که بدلیل همان میثاق خونین با شهدایشان با پیشتازانشان وباتمامی خلقی که سالیان دراز زیر ستم امپریالیستی ودیکتاتوری رنج کشیده بود بخاطر وفای به این عهد و بی‌توجه بتمامی فشارها ، تهمت ها ، افتراها ، حملات حتی سرکوبهای خونین و حتی کشتارهای ناجوانمردانه از ترویج حقیقت یکدم بازنایستادند . اما طبیعتا از آنجا که این موضع انقلابی خوشایند سازشکاران و مرتجعین نبود هرروز برحملاتشان علیه انقلابیون میافزودند خاطرتان هست که در جریان انتخابات ریاست جمهوری باچه بلواها ، باچه ناجوانمردانگی

هائی وارد شدند و چه تهمتها و چه افتراهـــا و بالاخره به شهادت یکی ازبرادران مجاهد عبـــاس عمانی هم منجر شد تمامی این رذالتها ، بدلیـــل وحشت ارتجاع و سازشکاران از پیشروی و گستـــرش نیروهای انقلابی است ، نیروئی که با بسیج اصیل-ترین نیروهای خلقی در صدد ایجاد یک ثقل انقلابی و ضد امپریالیستی در مقابل نیروهائی که هدفـی جز انحراف انقلاب ، ولوث کردن چهره اصیل اسلام نداشت ، بود .

البته این فشارها حدو مرز نداشت شایـد خودتان شاهد بودید نمونه های متعددش را دراین-جا ، ارتجاع عوامل چماقدار خودش را بسیج میکنـد و ابتدا مرکز دفتر مجاهدین خلق را تصرف میکند و بدنبالش هرجا ردپائی از موجودیت سازمان بود قلع و قمع میکند و آخرین نمونه اش دفترانجمن-طرفداران مجاهدین ، انجمن جوانان مسلمان اصفهان آنهم بوسیله کسانی که درزندان سیاسی مزدوران

پلیس شاه بودند و آنهائی که علیه زندانیان سیاسی چاقوکشی میکردند . اینبار البته باسم دیگر وتحت لوای باصطلاح حزب الله . از قضا همین وحشیگریها همین رذالت ها باعث شد که هروز هرچه بیشتر خلق ما به ماهیت پوسیده ارتجاع پی ببرد. خود شما شاهدید که آن جو انحصار طلبانه که بر همین شهر حاکم بود و آن حاکمیت یکدست ارتجاع که جرات نفس کشیدن را از همه سلب کرده بود کم‌کم دارد چهره خودش را نشان میدهد خیلی دستها رو شده است اگرچه تا آگاهی تمام عیار با زهم فاصله داریم ولی چشم انداز روشن است، ما نوید آگاهی های هرچه بیشتر را داریم . با گسترش نیروهای انقلابی، ارتجاع مجبور است که ماهیت خودش را هرچه بیشتر افشا کند. می بینیم هرروز رسوائی جدیدی در کار است والبته که با زهم با سوء استفاده از نام وموقعیت امام مسئله را لوث میکند ، اما تا کی وتا چه وقت میشود یک خلقی را ویک مردمی را که آنهم هنوز یکسال از انقلابشان نمیگذرد فریب

داد. بالاخره حقیقت، تمامی حقیقت روشن خواهد شد. رشد تضادهای درونی ارتجاع ولیبرالها و روشن شدن ماهیت آنها، این چیز کمی نیست و البته اگر بسیاری از حقیقتهای کتمان شده دیگر روشن بشود آنوقت میتوانیم بگوئیم آن روز یوم تبلی السرائر است و البته آنروز هم دیر نیست، اکنون بگذار همه سازشکاران، همه مرتجعین و تمامی اربابان امپریالیستیشان تمامی توطئه ها را علیه انقلابیون پیاده کنند. بگذار انقلابیون اصیل را متهم کنند بقول مجاهد شهید مصطفی جوان خوشدل بگذار ما را متهم کنند، بگذار هر برچسبی که میخواهند برما بزنند، اما سرانجام حقیقت برای خلق روشن خواهد شد. اگرچه بسیاری از محافل ارتجاعی ولیبرال تلاش دارند تا جریان انقلاب را منحرف کنند ولی جوشش تضادهای درونی جامعه ما آمادگی وبسیج خلق ما، این امکان تاریخی را از مرتجعین وسازشکاران گرفته است، میتوان برای مدتی به انحراف کشید، میتوان برای مدتی مجاهد

را اسیر کرد. متهم کرد، میتوان حتی کشت. اما مسیر شکوفا شده انقلاب خلق را هرگز نمیتوان سد شد این را انقلاب خودمان این را انقلاب پیروز خلق ویتنام وتمامی خلق های پیروز به ما میگویند. ما علیرغم تمامی این فشارها، چشم انداز روشن شکوفائی انقلاب را می بینیم و نه یک امیدواهی و نه یک انتظار بیهوده بلکه دقیقاً از متن واقعیات اجتماعیمان درست بهمین دلیل که ارتجاع هنوز یکسال نگذشته اینطور رسوا، تجزیه و مفتضح میشود. جریان انتخابات ریاست جمهوری عدم شرکت بیش از ۷ میلیون از هم میهنان وحتی شکل رای دادن دقیقاً بیانگر آن واقعیتی است که ما از آن صحبت میکنیم چه آنهائی که رای ندادند و چه آنهائی که رای دادند و تازه این درحالی بودکه امام در آن شرایط و با آن حال از مردم خواستندکه رای بدهند، شما میدانید اگر این توصیه ها ودرآن شرایط نبود میتوان پیشبینی

کرد که خیلی کمتر از این رای میدادند. اگر یک مقایسه ساده بکنیم با انتخابات جمهوری اسلامی در آنجا با دعای مقامات بیش از ۲۰ میلیون نفر رای دادند و طبیعی بودکه بدهند، هنوز اعتماد یکپارچه مردم خدشه دار نشده بود، هنوز اعتماد صادقانه مردم اینطور مورد سوء استفاده واقع نشده بود مردم انتظار داشتند همه کارها، تمامی مسائل حل وفصل شود و در راس آنها مبارزه قاطع ضد امپریالیستی ادامه پیداکند. اما دیدیم به جای جنگ علیه امپریالیزم جنگ افروزی علیه انقلابیون و علیه ملیتهای تحت ستم وعلیه هرچیز جز امپریالیسم ودشمن اصلی و هر روز مشکلات خلقمان، بخصوص محرومترین و تحت ستم ترین مردممان زحمتکشانمان، کارگرانمان، دیدیم و این علیرغم آن تمامی شعارهای طرفداری با صطلاح از مستضعفین بود دعوت از سرمایه داران وابسته، فراری دادن ساواکیها و احیای همان نظام آریا-

مهری در بسیاری از شئون وراه انداختن همان شیوه ها، اینها حقایقی بودکه نمیتوانست برای مدت زیادی از دید خلق ما پنهان بماند. طبیعتا مردم کم‌کم متوجه نیروهائی میشدندکه نه تنها دراین یکساله مواضع صادقانه خودشان را اثبات کرده اند بلکه پشتوانه ۷ سال مبارزه مسلحانه قهرآمیز در اوج دیکتاتوری و خفقان علیه رژیم شاه در آنجاها، در جلوی جوخه های اعدام، در شکنجه گاهها ودر زندانها، آخر مگر میشد مردم‌را قانع کرد که کسانی که تاآخرین شبهای رژیم شاه در زندانها، گوشه سلولها ودر زیر شکنجه های شاه بسر میبردند یک شبه ضد انقلاب بشوندوآنهائی که از آنسوی دریاها، بعدازاستراحت کاملوکافی با ادعای انقلاب واسلام سر سفره آماده و حاضر وارد میشدند اینها یک شبه انقلابی ومجاهد! بله میتوان برای مدتی معیارها را خدشه دار کردبهم‌ریخت حقیقت را واژگونه جلوه داد، اما در مسیر

حرکت چی ؟ واقعیات سرسخت تر از آن است که برای همیشه توسط فرصت طلبان مکتوم و مخفی بمانند. مسائل عینی جامعه، وجود تمامی پایگاههای امپریالیسم ، وجود تمام رنجها ، دردها و ستم‌هائی که ناشی از حاکمیت امپریالیزم و ایادی سازشکار و ارتجاعی آن هست . اینها واقعیاتی است که برای همیشه پنهان نمیمانند و هر روز با زتاب ها و آثار خودش را بمردممان نشان میدهد. از قضا یکی از خوشبختیهای ما اینکه سرعت تحولات و عینیت تضادهای جامعه‌مان به حدی است و آگاهی خلقمان و آمادگی و بسیج اش که دیگر آن سکون ، آن انفعال ، آن خنثی گری بهیچوجه تکرار شدنی نیست . جامعه جوشان ما ، جامعهٔ آگاه ما دیگر این اجازه را به هیچ نیروی ارتجاعی و ضد خلق نمیدهد که برای مدت طولانی بتواند به حاکمیت بی دغدغه خودش ادامه بدهد و آب هم از آب تکان نخورد. با توجه به این واقعیات بالاخص

واقعیاتی که درهمین ماههای اخیر و درهمین هفته های اخیر بیشتر روشن شده. درهمین جاست که تاکید میکنیم چشم انداز جامعهٔ ما، چشم انداز انقلاب ما ست و در پیشاپیش آن رشدنیروهای انقلابی و اصیل و کسانی که واقعا دل بحال این انقلاب سوختند وکسانی که هستی خودشان را نثار این انقلاب کردند وخواهند کرد، اجتناب ناپذیرخواهد بود. تجربیات چندین سالهٔ ما چه در زمان رژیم شاه، با حاکمیت بورژوازی کمپرادور و چه در طول قیام و چه بعداز آن تماما نشان دهنده این است که چشم انداز جامعه، تمامی راه حلهای بینابینی، ارتجاعی، سرمایه داری وابسته، همه اینها رانه تنها تجربه نخواهدکرد بلکه از پیش محکومیت آنرا باحرکت خود اثبات کرده است.

تنها یک راه در پیش روی جامعه ما است البته به میزانی که ما احساس مسئولیت بکنیم و درصورتی که نیروهای انقلابی وآگاه جامعه به تعهدات

خودشان وفادار بمانند و تمامی این فشارها را بدلیل حقانیت راهشان تحمل بکنند ، ما یک راه بیشتر در پیش نداریم و آن هم راه رشد ضد استثماری توحیدی است . ما دیگر حتی تجربه رژیم‌های مانند مصر راکه زمانی در پیشاپیش جنبش ناسیونالیستی خلق عرب و پیشتاز یک جنبشها هیتاً ضد امپریالیستی و ترقیخواهانه بود ، جامعه ما حتی دیگر آن پروسه راهم نمیتواند تجربه کند پروسه ای که بدلیل ماهیت اساسا استثماریش یا بهتر بگوئیم غیر ضد استثماریش نهایتا از درون آن ساداتها در میآید . ما چه بلحاظ شرایط عینی و چه بلحاظ شرایط ذهنی و تجربیات مبارزاتی و انقلابی این مراحل را پشت سرگذاشتیم بنابراین تمام نیروهائی که به نحوی ازانحاء در صدداحیای سرمایه داری ، یانیمه سرمایه داری و تمامی شیوه های ارتجاعی وسازشکارانه هستند ،بلحاظ تاریخی هیچ امیدی برایشان متصور نیست و از

قضا شیوه های وحشیانه ای که این روزها در سرکوب انقلابیون بکار میبرند دلیل همان زوال تاریخی آنهاست ، بخاطر دارید که در چه زمانی شاه متشبث به شیوه های چماقداری و سرکوب دسته جمعی مردم ونیروهای ترقیخواه شد،در آن آخرین لحظاتی که دیگر سقوطش حتمی بود،چماق و چماق بازی راه افتاد.حالا این عجیب نیست که هنوز یکسال از انقلاب نگذشته ، درست همان شیوه ها تجدید میشود ، نه اگر ما به ماهیت سازش-کاران و مرتجعین توجه داشته باشیم راهی جز این نیست و مگر راهی برای نجات خلق دارند تا پیشنهاد کنند،آنها همواره در تاریکخانه های تاریخ ، همواره از جهل توده ها استفاده میکنند. و بموجودیتشان ادامه میدهند. آنها چون سایه-هائی هستندکه با درخشش نور ، با طلوع خورشید، چاره ای جز محو شدن ندارند. بنابراین بایستی هم که دراین شرایطی که تجزیه ، انشعاب ، و

افتضاح و رسوائی گریبانگیر آنها شده است به‌این شیوه ها متوسل بشوند. البته ما انتظار وحشی گریهای بیشتری را هم داریم. هرزمان که موجودیت نیروهای انقلابی در معرض دید خلق قرار میگیرد هر زمان که مسئله انقلابیون اصیل مطرح میشود، برنامه انقلابیون در معرض قضاوت خلق قرار میگیرد. آن زمان به فعالیتهای ضد انقلابی وارتجاعی و فاشیستی مرتجعین وسازشکاران اضافه میشود. اوج این جریانات را در انتخابات ریاست جمهوری دیدیم الان هم با توجه به روزهای سرنوشت ساز وحساسی که در پیش داریم، انتظار بیش ازاینها را داریم کما اینکه همین روزها، همین الان که در اینجا حضور دارید درگوشه وکنار این میهن به طرفداران مجاهدین بدفاتر مجاهدین، به نشریه مجاهدین، حمله می‌شود، میسوزانند، چماق بازی راه میاندازند البته با شروع فعالیتهای انتخاباتی اینها بیش ازاین باین کارها متشبث و متوسل خواهند شد و

درست باین دلیل است که حساسیت وسرنوشت سازبودن
این روزها مشخص میشود . ما در آستانه انتخابات
مجلس شورایملی با توجه به تمام اشکالتراشیهائی
که تاحالا شده ودر جریانش هستید و در آینده
خواهد شد،ضروری بود که مردم آگاهمان را وتمامی
خلقمان را در جریان مسائلی که اینروزها درپیش
داریم قرار بدهیم وهوشیاری وفعالیت انقلابی هر
چه بیشتر را ازآنها طلب بکنیم.اما قبل ازاینکه
وارد این بحث بشویم،لازم بود مختصری راجع به
برداشت ما نسبت به مجلس شورایملی ، انتخابات
مجلس شورایملی واینکه چرا مجبوریم و چرا بایستی
که دراین مرحله فعالانه دراین انتخابات شرکت
بکنیم،کمی صحبت بکنیم. تاوقتی رژیم شاه حاکم
بود ودیکتاتوری اجازه نمیداد حتی ساده ترین
حرکات سیاسی و جریانهای سیاسی وجودداشته باشند
تنها راه وتنها مسیر ادامه انقلاب یک مبارزه
مسلحانه و قهرآمیز علیه رژیم و اربابان

امپریالیستیش بود. همان راهی که از سال ۱۳۵۰ شروع و تا ۱۳۵۷ و تا روز سقوط شاه بر صحت و اصالت خودش باقیماند. با سقوط شاه خیلی معادلات بهم ریخت و فضای جدیدی ایجاد شد اگر چه تلاش بسیاری از دست اندرکاران انحصار طلب این بود که علیرغم شعار اول انقلابمان، آزادی سیاسی را ازهمه گروههای انقلابی دریغ بکنند اما بدلیل ضرورتهای عینی و تحول اجتناب ناپذیری که صورت گرفته بود، غیرممکن بودکه آنها بتوانند جلوی شکوفائی و رشد آزادیهای سیاسی و مشروع مردم را بگیرند. طبیعتا در شرایط جدید شکل فعالیتهای سیاسی وانقلابی اساسا متفاوت شد. بگذریم از این که اگر نیروهای انقلابی سهمی در سیستم حاکم می‌داشتند روند انقلاب و مسیر تحولات چیزدیگری بود اما بهرحال علیرغم تمامی مجاهدزدائی ها وتمامی فشارهائی که علیه انقلابیون بکاررفت بهرحال عینیات جامعه مان دیگرایجاب نمیکردآن شیوه های

آریا مهری به عینه تکرار شود و جریانهای سیاسی وانقلابی ما درهمان شرایط خفقان قبلی بسربرد. طبیعتا نیروها آزاد شدند ، نیروی تمامی خلق آزاد شد . به این حساب ، فعالیت های نیروهای انقلابی هم بایستی متناسب با این مرحله شکل می‌گرفت،طبیعتا شکل مبارزه قهرآمیز با سیستم جدید یک شکل غیراصولی وغیرانقلابی بود. شرایط جدید ایجاب میکردکه همه نیروهای سیاسی ـ اجتماعی ما وبویژه انقلابیون بتوانند به‌فعالیتهای سیاسی خودشان ادامه بدهند . بهرحال با وجودفشارهائی که بود نیروهای سیاسی وانقلابی به فعالیت و موجودیت خودشان در شکل جدید ادامه دادند. شکل جدیدی که اساسا مبتنی برمبارزات سیاسی بود. این مبارزات سیاسی درمراحل خاصی به اوج خودش میرسید.جریان انتخابات مجلس خبرگان، رفراندوم قانون اساسی ، جریان ریاست جمهوری وبالاخره مسئله انتخابات مجلس شورایملی ، این باین‌دلیل

است که صرفنظر از میزان پایگاه مشروع سیستم حاکم ، پایگاه توده ای سیستم حاکم تا آنزمانکه آخرین قطرات دموکراسی وآزادی از این خلق دریغ نشده است ، نیروهای انقلابی موظف هستند که در کادر دموکراتیک و درکادر سیاسی موجودبفعالیت خودشان ادامه بدهند. و هیچ توجیهی برای قطع این مبارزات در شکل سیاسیش وجودندارد. ازقضا در متن همین مبارزاتسیاسی است که با ارائه برنامه انقلابی ، موضع گیریهای انقلابی ازیک سو و روشدن دست مرتجعین وارائه برنامه های بی محتوا پوسیده و کهنه آنها ، مردم امکان قضاوت در مورد جریانهای مختلف سیاسی را پیدا میکنند در متن همین مبارزات سیاسی است که هر نیروئی ماهیت خودش را برای مردم روشن میکندوازآنجائی که به هر حال دموکراسی در هر حد محدودش وجود دارد ، این امکان فعالیت سیاسی به نیروهای انقلابی اجازه ارائه خودشان وبرنامه هایشان را میدهد .

در چنین شرایطی کنارکشیدن از جریانهای موجودو
از فعالیتهای سیاسی ممکن چیزی جز سکتاریسم،
پرت افتادن از مسیر توده ها و جدا افتادن از
حرکت اصولی وانقلابی نباشد. ودرست بهمین دلیل
است که میبینیم صرفنظرازجریاناتی که برسرمسئله
انتخابات رئیس جمهوری پیش آمد دراین جریان همه
نیروهای فعال سیاسی وارد صحنه شدند. اتفاقا در
جریان انتخابات ریاست جمهوری هم دیدیم تاآنجائی
که سرنوشت مردم بدست خودشان سپرده شد همه
نیروهای سیاسی، همه ملیتهای تحت ستم هم وارد
صحنه مبارزات انتخاباتی شدند و درآنجا بود که
ثقل ضد امپریالیستی وجبهه متحد خلق پی ریزی شد
اگرچه نگذاشتندکه این راه تاپایانش ادامه پیدا
کند ولی دیدیم که حتی همان کنارزدنها و همان
انحصارطلبی ها هم نتوانست جلوی این تشکل و این
وحدت ضد امپریالیستی راکه در جریان آن انتخابات
شکل گرفته بود، متلاشی کند. اوج این فعالیتهای

سیاسی اکنون در پیش روی ماست ،مجلس شورایملی گفتیم تا وقتی که آخرین بقایا و قطرات دموکراسی از مردم ما دریغ نشده است،بایستی درهمین مسیر فعالیتهای سیاسی وارد صحنه شد، سنگر مقدم این صحنه مجلس شورایملی است و انتخاباتی که دراین رابطه برگذار خواهد شد حتی اگراین بار هم به نحوی ازانحاء مانع رفتن نیروهای انقلابی بمجلس شورایملی بشوند،نفس مبارزات انتخاباتی و نفس ارائه برنامه های انقلابی نیروهای اصیل،آگاهی وهوشیاری خلق راافزایش خواهد داد واین قدم جدیدی است در راه روشن شدن هرچه بیشتر ماهیت نیروهای انحصار طلب وارتجاعی ، اما بعداز آن هم حتی در مجلس ، مجلسی که تبلورنمایندگی خلق است تشکیل یک فراکسیون انقلابی وترقیخواه درمجلس طبیعتا میتواند بر سرنوشت خلق تاثیر قاطع وتعیین کننده ای داشته باشد، میتواند با پیشتازی در قطع روابط و قراردادهای امپریالیستی گامهای

موثری در ارتقاء جنبش ما بردارد. باز هم مـــی‌توانند جبهه متحد خلق را بیش از پیش شکل بدهد و تمامی نیروهای انحرافی و ارتجاعی را از صحنه دور کنند. و در متن چنین مبارزاتی است که ما میتوانیم به تداوم انقلاب مان و به مسیر اصولی آن امیدوار باشیم. حتی صرف تبلیغات انتخاباتی که در دوره تبلیغات آغاز خواهد شد، صحنه ای است برای ارائه برنامه ها، صحنه ای است برای افشاگری، صحنه‌ای است برای آگاه کردن خلق، وطبیعی است که چنین فرصتی جز در این انتخاباتی که در پیش داریم شاید باین زودی تکرارش میسر نباشد. بنابراین با تاکید براینکه موضع یک نیروی انقلابی ازورود به صحنه انتخابات پارلمان، پارلمانتاریسم و همان بازیهای بورژوازی نیست و دقیقاً از موضع یک انقلابی ودر مسیر تداوم انقلاب ضد امپریالیستی وارتقاء آن با مسئله برخورد میکند و نه یک بازی های صرفا سیاسی، صوری و پارلمان بازی، بـــا

اعتقاد راسخ به این مسئله که جز با بسیج خلق جز با همان ارزشهای انقلابی و جز با تشکیل وتشکل یک نیروی متحد ضد امپریالیستی مبارزه ما راه به جائی نمیبرد.با این دیدگاه و با تمامی ارزشهای انقلابی وارد صحنه میشویم.این انتخابات از نظر نیروهای انقلابی و بویژه مجاهدین صرفا یک بردو باخت ، یک رای جمع کردن و یک رفتن ویا نرفتن بمجلس نیست بلکه سنگر جدیدی است برای ادامه مبارزه ضد امپریالیستی وگامهای بعدی آن طبیعی است بسیاری از نیروها در جریانش فعال خواهند بود. اما این فقط انقلابیون هستند که موردتهاجم فشار وانواع واقسام تضییقات هستندتا بالاخره بتوانند آنها راازصحنه دورکنند مادرجریان انتخابات ریاست جمهوری شاهد بودیم و همه مردم شاهد بودند آیا نسبت به جاسوسان آمریکائی ، نسبت به ژنرالهای آریامهری و کسانی که آزمایشات خودشان را در جدائی از خلق بحدکافی داده بودند

آیا کوچکترین حساسیتی روی اینها بود. آیا مرتجعینی که از تریبونهای عمومی، از نمازجمعه ها برای کوبیدن نیروهای انقلابی بسیج شدند و با مارک منافق، ضد انقلاب، آنها را از صحنه دور کردند آیا از وجود ژنرالها در لیست کاندیداها هیچ دل سوزاندند برای انقلاب؟ وبرای همین انتخاباتی که در یکی دو روز قبل از مراسم برگزاریش افشاء میشود که فلان فرد با جاسوسان آمریکائی در تماس بوده و آنهم درست بخاطر حمایت از رئیس جمهوریش، آیا صدائی از کسی در آمد؟ همان اسلام‌پناههائی که به زعم خودشان برای انحراف از اسلام نگران بودند ودرست بهمین دلیل کاندیدای نسل انقلاب را ازصحنه دورکردند آیا هیچ دل سوزاندند؟ طبیعی است همه شگردهای ارتجاعی، همه توطئه ها، همه سوء استفاده هائی که از اعتماد مردم و از ناآگاهیها میشوددرست بدلیل سرکوب و بخاطر طرد انقلابیون ازصحنه است مطمئن

باشید در روزهای آینده شاهد بسیاری از این صحنه
ها خواهیم بود . درست بهمین دلیل هست که نیرو-
های آگاه جامعه بایست فعالانه ومشتاقانه دراین
مبارزه بسیج وفعال بشوند وبقول مجاهد شهید
کارگر عباس عمانی حقیقت را ترویج کنند حقیقتی
که همه مرتجعین وسازشکاران در صدد کتمان آن
هستند اما مطمئنا اینبار مثل گذشته نیست خیلی
مسائل فرق کرده ، خیلی معادلات بهم ریخته ، که
در راس آنها از یکطرف آزاد شدن نیروهای آگاه
خلق و ازطرف دیگر رسوائی ارتجاع ولیبرالیسم
اما برمبنای این زمینهٔ عینی که فعال شدن
نیروهای آگاه وبسیج نیروها دراین زمینه است که
میتواند این شرایط عینی را بارور کند ونتایج
مطلوب از آن گرفته شود . شاید اگرهمان مقاومت-
هائی که در طول یکسال گذشته با آن مواجه بودیم
وجودنمیداشت تحمل رنجها و همهٔ چماق و چماق
بازیها ، زخمی شدنها ، دستگیریها ، شکنجه ها

بازجوئیها و همه تحریف حقیقت ها ، اگر اینها نبود ما در این نقطه نمی بودیم ، بله در آن شرایط شاید کمتر امید بود. شاید فکر میشد که برای آینده بسیار دوری هم اوضاع بهمین منوال خواهد بود. اما درست بدلیل همان شرایط عینی و جوشش تضادها و عملکرد بسیار ارتجاعی وبسیار نامتناسب با شرایط فعلی از طرف محافل ارتجاعی ولیبرال حاکم خیلی از چیزها سریعتر از آن مدتی که حتی خودشان فکر میکردند روشن کرداند باین دلیل هم حتی فشارهائی که در آینده روی نیروهای مترقی وانقلابی متمرکز خواهد شد اینها هم دردی را از آنها دوا نخواهدکرد . دقیقا اینها هم در خدمت آگاهی بیشتر خلق ، آزاد شدن بیشتر نیروها قرار خواهدگرفت و درست بهمین دلیل است که صحبت از آغاز پایان عصر عوامفریبی میکنیم . اما صحبت از اشکالتراشیهائی که نیروهای انقلابی و اساسا در پیشاپیش همه مجاهدین خلق را هدف قرار داده است

کردیم ما با آگاه ساختن مردم از ماهیت این اشکالتراشی ها ازیکطرف وافشای آن برای نیروهای جامعه مان وبرای مردممان ، در هر سطحی که امکان پذیر باشد میتوانیم تاثیر انقلابیخودمان را برروندتحولات وجریانات بگذاریم . میتوانیم این حقیقت را به مردممان و به خلقمان نشان دهیم که هدف ازتمامی این اشکالتراشیها طرد نیروهای انقلابی است . اولین زمزمه‌ای که اینها کردند منطقه ای کردن انتخابات بود یعنیهر نفر به بیش ازیک نفرنمیتوانست رای بدهد . معنی این کاملا روشن است ولی اجازه بدهید یادآوری کنیم ، آخرین سالی که رژیم شاه حاکم بودوانتظار میرفت که تحت فشارهای موجود مجبور بشود به یک انتخابات آزاد یا بالنسبه آزاد تن بدهد ، تلاش کرد که شیوه هائی رااتخاذکندکه نیروهای اپوزیسیون ونیروهای انقلابی از رفتن به مجلس محروم بشوندو یا تعدادکسانی که امکان رفتنشان به مجلس هست

بحداقل برسد یادتون هست ، شاید پارسال حوالی خرداد یا اردیبهشت ۵۷ بودکه طرح جدیدانتخابات را بمجلس میدادند یکی ازنکاتش دقیقا همین‌مسئله " منطقه ای کردن " و " یک نفر یک‌نماینده"بود شاید توضیح کافی باشد وما احتیاج به بحث و استدلال‌سراین‌مسئله نداشته باشیم ودرست باین دلیل که مسئله رسواتراز آن بودکه بخواهند بیش ازاین کشش بدهند ، عقب نشینی کردند ، طرح منطقه‌ء کردن کنار گذاشته شد . اما این خودش بیانگر آن ماهیت وعملکردهائی است‌که توسط محافل ارتجاعی هر روزبشکلی‌خودش‌را نشان میدهد. اما مسئله دوم،مسئله " مرحله ای کردن " ، که هنوز هم باقی است وعلیرغم تمام انتقادات و اعتراضاتی که ازطرف نیروهای مترقی وانقلابی جامعه علیه آن میشود چیزی است‌که هیچ ابهامی در آن باقی نمانده و هنوز هم که هنوز است به قوت خودش باقی است یعنی یک عده بتوانند بهر

دلیل دومرتبه رای بدهندوکاندیداهای انقلابی را باین ترتیب ایزوله کنند،منزوی کنندو تعداد کسانی که ازاین طریق به مجلس میروند بحداقل برسند چون طبیعتاء اگر قرار باشدیک انتخابات کاملا آزاد وبدون هیچگونه اشکالتراشی برقرارشود مسلما دراین تجربه یکسال اخیر دیگر نمیتوانند همان مسائلی که در یکسال پیش ، هشت ماهه پیش هشت ماهه پیش،در جریان انتخابات مجلس خبرگان صورت گرفت اینجا هم به عینه تکرار بشود،خودتان شاهد هستید درگوشه وکنارجامعه نیروهائی‌که آزاد شدند نیروهائی که بی محابا هر روزحاضرند تحمل فشار چماقدارها را بکنند ، همان کسانی که در گوشه وکنار بطرفداری ازسازمان مجاهدین خلق واصولا انقلاب و انقلابیون حاضرندهرگونه مشقت و رنجی را تحمل بکنند.وطبیعی است‌که این موج هر روز گسترش بیشتری پیدا میکندواگر قرار باشد مزاحمتی و هیچگونه‌اشکالتراشی درمسیرانتخابات

برقرار نشود طبیعی است.مگرمرتجعین میتوانند جلوی نیروهای آزاد شده را بگیرندوبازهم عوام ـ فریبی بکنندوعناصرارتجاعی و ارتجاعیون را باسم نماینده های مردم به مجلس بفرستند. تجربه خبرگان خیلی چیزها را روشن کرد، تجربه ریاست جمهوری وحتی میزان آرائیکه نمایندهٔ انحصار طلبها آورد خودش نشان دهنده تحولات و سمت جریانات آینده است. طبیعی است که اینها احساس وحشت بکنند و مجلس راکه طبیعتا در جریان حرکت های آینده نقش حساسی بعهده خواهد داشت بدست انقلابیون بسپارند،اگرچه درتشکیل همان همبسیاری از موانع ، بسیاری ازاشکالات ، حق وتوها و جریانات دیگر را برای آن قرار دادندو جالب اینستکه در یک روند آزادودموکراتیک برای انتخابات بسیاری ازنیروهای اصیل وانقلابیبمجلس راه پیدا میکنند.بنابراین بایستی هرشیوه و هر اشکالی که ممکن است قابل استفاده باشد برای

جلوگیری از نفوذ نیروهای انقلابی درمجلس پیاده بکنند . اگر چه کوس رسوائیش همه جا بصدا در آمده باشد . همین طرح دومرحله ای کردن مگر جز یکی از شگردهای ارتجاعی همان نظام امپریالیستی فرانسه است همان چیزی که هی ادعای نه شرقی نه غربی میشه . و ادعای ضدامپریالیست بودن واینکه " ماشیوه های خاص خودمان رادارّیم این طرح اتفاقا از تفاله های نظام های امپریالیستی است تجربه خودش را پس داده که دقیقاً درخدمت جلوگیری ازنیروهای انقلابی و چپ است . و عملاهم هنوز که هنوزه ادامه داردو نتیجه اش هم همان طردویا ایزوله شدن و منزوی شدن نیرو های ترقی خواه فرانسوی است ولی جالب اینکه با تمام این دعاوی وحشت ازانحراف ، الان وحشت از انفراد ووحشت ازدیدن اعمال وعملکردهای خودشان برآنها مستولی شده ، طبیعی است هیچ اشکالی نداره هیچ شرمساری وشرمندگی ندارد که بازهم

همان تفاله های نظام غربی را در اینجا پیاده بکنند.

اما شیوه های دیگری که طبیعتا انتظار پیاده کردن وفعال شدن آنها میرود یکی هم بازسوء استفاده از تریبونهای عمومی ، رادیو ،تلویزیون بخصوص نمازجمعه ها هست ، نمازجمعه هائی که رمز وحدت و درخدمت وحدت خلق میتواند باشددرانحصار گروهی ، ودرانحصارنیروهائی که تاحالا تمامی این دستآوردها ی مشعشع راارائه داده اندبوده ، و بعدازاین هم هست ، ازهمین تریبونها بودکه علیه انقلابیون شروع کردند تبلیغات ، وهمینها هم از رادیو تلویزیون ودیگرارگانهای عمومی پخش شد بله ، شاید همه شاهدند که مضمون بسیاری ازخطبه ها و نمازجمعه ها مستقیم یا غیرمستقیم کوبیدن نیروهای انقلابی بوده است بخصوص وقتی که شرایط حساس میشود وقتی که چشم انداز رشد نیروهای انقلابی روشن ترمیشود بردامنهٔ این تبلیغات اضافه تر میشود .

کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران
۱۳۷۲

اما جالبتر اینست ، در هیچ جای دنیا سابقه نداشته است کسانی را که به یک مجموعه قانون ویا دریک مجموعهٔ قانونی در انتخابات رفراندم اش شرکت نکنند از حداقل حقوقی که در همان قانون برایشان پیش بینی شده محروم ـ شوند آنهم کسانی را محروم کنند که اعتراضشان و حرفشان این بوده که این حقوقی که برای مردم درنظرگرفته شده کم است . این تمامی آن حقوقی نیست که خلقمان مستحق آن است وبایستی بآن برسد اون وقت این نیروهای حق طلب ومدافع خلق را بدلیل اینکه به این حداقل حاضرنشده رای ـ مثبت بدهد و انتظارش بیشتر از اینها بوده از همین حداقل هم بدلیل رای ندادن محروم بکنند . این شاید تازه ترین و مضحکترین استدلالی بوده که تاحالا درجریان تحولات سیاسی گوشه وکنار دنیا ما با آن مواجه شدیم همچنین یادتان هست یک نوع استدلال این بودکه بسیاری از این مرتجعین

درهمان نماز جمعه ها ودرهمان تریبونهای عمومی قول دادند که نه گلوی خودشون ، بلکه گلوی انقلابیون را پاره کنند وگفتندووعده دادندکه ما بعداز این دیگر پوستر پاره نمیکنیم ، گلو پاره میکنیم و الان هم نمیتوانیم مطمئن باشیم که در آینده هم وحتی درهمین انتخابات هم چنین زمزمه هائی شروع شود . وبالاخره عوامفریبی تاثیر خودش را نگذارد . البته آن سیستمی که بخواهد انتخابات مجلس شورایملی اش هم که اسمش"شورا" است تشکیل دهد ـ شورائی که بقول پدر طالقانی که حتی نه تنها شورایش بلکه مجلس خبرگانش را تاکید میکرد بایستی مخالفین باشند آنها هم حرفشان را بزنند ـ آنوقت درمورد شورائی که اصلا ماهیتش و هدف وجودیش جمع کردن نیروها ونماینده نیروهای مختلف واقشارمختلف اجتماعی است آنرا انحصار طلبانه مختص نیروهای خاصی بکنندکه البته این نیروهای خاص بهیچوجه مستثنی ازمرتجعین و

سازشکاران و حتی کسانی که جاسوسی شان برای ـ
مردم روشن شده باشد نیست،همچنانکه بهیچوجه
حساسیتی روی آنها نیست . فقط یک استثناء دارد
هر عنصر ترقیخواه ، هر عنصر حق طلب و هرعنصر
انقلابی که حاضرنیست نه با امپریالیسم ونه با
پایگاههای ارتجاعی ولیبرالش سازش بکند ، فقط
استثناء اینها هستند. البته این دیگر اوج ـ
فضاحت یک سیستم میتواند باشد که مجلس شورای
ملی اش آنهم بعدازحدود یکسال که ازانقلابش
میگذرد انقلابی که اولین شعارش آزادی بوده
دیگه صحبت ازاستقلال وجمهوری اسلامی نمیکنیم
که در اوج خودش چه آزادیهای مردمی راوعده
میدهد بهرحال ، وصدالبته که این انحصار
طلبی ها باسم اسلام و باسم احکام اسلامی و
منافع اسلامی است البته آن اسلامی که حاضراست
با هر سازشکاری ، هر جاسوس سیا و ساواکش
خیلی ساده کنار بیاید البته که باآن اسلامها

درزمان آریامهر هم مواجه بودیم وطبیعی است که وقتی این اسلام مطرح باشد ، بایستی اسلام مجاهد بین التقاطی ، دورگه ، دوگانه وامثالهم باشد، اما البته هرعنوانی بدهند ، هراتهامی بزنند یک چیز برای همه روشن استه اقلا هفت سال از رژیم آریامهر دراین زمینه عقب اند . چون اقلا رژیم شاه این افتخار راداشت که هفت سال پیش در آستانه اعدام اولین شهدای سازمان مجاهدین خلق این مارک را اختراع کرد . اگر در هرزمینه‌ای پست بود ، مرده بود ، کهنه بود، حداقل این افتخار را بر مرتجعین داردکه سالها از آنها جلو بوده .

باز در رابطه باهمین سلسله اشکالتراشی ها ماموا جه هستیم بااینکه مقامات رسمی ، حتی در سطح وزیرش میتواند کاندید بشود در حالیکه مقامات درجه چندم مجبورند استعفاء بکنند، ولی مقاماتی که مستقیما دست اندرکار مسئله انتخابات

هستند ، بایستی بی طرفترین افرادگماشته بشوند ودرست بهمین دلیل در قوانین دمکراتیک معمولی این افرادواین مقامات از کاندیدا شدن محروم هستند یاوقتی اگر بخواهند کاندید بشوندبایستی از مقامشان کناره گیری بکنند ، می بینیم که خیلی ساده ، عریان و بی پرده اینها مستثنی میشوند آیا این جزء مضمونی برای دخالت برای طرفداری ازاین یا آن کاندیدا و در راس همه خودشان دارد تازه این قسمتی از چیزهای رسمی، عنوان شده علنی است که بتصویب رسیده .

اما اون چیزهای غیر رسمی، اون چیزهای عملی که چه در گذشته،چه در حال و بخصوص در آینده مواجه باهاش خواهیم بود فراترازاینحرفها ست.موج حملات ، حملات نظامی، فشارها ،اتهامات اشکالتراشیها ، چه برای افراد،چه برای سازمان چه تبلیغات علیه کاندیداها تمام این چیزهائی که گوشه ای ازآن را درانتخابات ریاست جمهوری

دیدیم از اینها گرفته تا تقلبات، تقلبات از صدر تا ذیل، از قبل از رای تا پایان شمارش آراء، اینها چیزهائی است که بطور طبیعی میشود پیش بینی کرد البته نه بعنوان یک برداشت بدبینانه بلکه دقیقاً با تمهیداتی که چیده شده و اگر ما یکی یکی اینها را کنار هم بگذاریم میتوانیم از مضمون و محتوای این سلسله اقدامات و اقداماتی که در آینده با آن مواجه خواهیم بود سردربیاوریم، همانهائی که دیدیم" منطقه‌ای کردن" "دومرحله‌ای کردن" و همهٔ چیزها این مجموعه اشکالات در پیش روی ماست. ما هم درست از متن چنین اشکالاتی به این مبارزه ادامه میدهیم و وارد میشویم، مطمئنیم هرنتیجه ای که حاصل بشود اگر حذف بکنند. اگر حذف نکنند، اگر تقلب بشود، اگر تقلب نشود هر اقدامی بشود. بشرطی که ما آن رسالت خودمان را در این مرحله ودر این زمینه بخوبی انجام بدهیم بهیچوجه ضرری نمیکنیم. یا

ادامه واستمرار وتداوم مبارزهٔ ضدامپریالیستی و کشیده شدن سیستم ونهادهای حاکم درمسیرمبارزه ضد امپریالیستی که با پیشتازی فراکسیون انقلابی که در مجلس تشکیل خواهد شد امکان پذیراست یا از طریق افشاء شدن تمامی حرکات و مواضع ارتجاعی و انحصار طلبانه و دراوج خودش محرومیت کاندیدا- های انقلابی که این میتواند نقطه پایانی بر بسیاری از مشروعیت ها باشد ، مشروعیت های سیستم ، آنوقت همانطورکه در جریان انتخابات ریاست جمهوری شاهد بودیم حتی همین حذف و نفس کنارگذاشتن برای بسیاری از نیروهائی که‌نه تنها تمایلی به سازمان نداشتند ، به مجاهدین نداشتند بلکه چه بسا در صف مخالفین بودند، حتی برای - آنها هم بسیاری از حقایق را روشن کرد و درست به این دلیل بسیاری ازنیروها صفشان تغییر کرد چه‌اگر تا آنزمان هیچ معیاری ، ملاکی نتوانسته بود اینها راآگاه بکند درست این اقدام ضد

دموکراتیک وانحصار طلبانه خیلی چیزها را روشن کرد، آن سوء استفاده هائی که شد، اما دراین مرحله درست به این دلیل که سازمان با تمام قوای خودش وارد صحنه شده و تآنجا که در امکانش بوده در مسیر این مبارزه مشروع ودموکراتیک نیرو بسیج کرده و دقیقا دراین زمینه هر چیزدرامکان داشته ودارد وخواهد داشت ازایثار آنها درمسیر این مبارزه دریغ نخواهدکرد. انتظاراین هست که تمام نیروهائی که بنحوی ازانحاء با مواضع ترقی‌خواهانه سازمان موافق هستند چیزی که در جریان انتخابات ریاست جمهوری شکل گرفت ، پی ریزی شد ودراینجا بنقطه اوج جدیدی رسید کسانی که به برنامه نه فقط افراد واشخاص ونه فقط رای آوردن و نیاوردن توجه دارند اینها میتوانند وحتی وظیفه دارند و رسالتشان دراین مقطع این استکه آن حقیقتی راکه درک کرده اند و درک میکنند و آن رسالتی راکه دراین مرحله دراین مبارزه انتخاباتی

دارند بخوبی انجام بدهند، البته طبیعی است از نهادهای ارتجاعی و لیبرال و سازشکار انتظاری نداریم جز اتهام ، تهمت جز افترا، جرسرکوب و چماق ولی مهم اینست که ما درمتن این فشارها و علیرغم این فشارها روی مواضع خودمان پا-فشاری میکنیم. کما اینکه تا حالا کردیم . کما اینکه در رژیم شاه کردیم و آن علیرغم تمام امتیازاتی که میخواست بدهد یا علیرغم تمام شکنجه‌هائی که میکرد، اعدامهائی که میکرد و تلاشش این بود که مواضع ما را خدشه دار بکند یا ما را از آن اعتقادات توحیدی و پاکمان پائین بیاورد ، ما با مقاومتمان درآن مقاطع نشان دادیم که اهل معامله و اهل سازش نیستیم ، طبیعتاً در این مرحله هم، نه چماق، نه امتیازاتی دیگر ، نه فشارهای دیگر ، هیچکدام نمیتوانند ما را از آن مسیر انقلابی ، ضد-امپریالیستی وضداستثماری که در پیش داریم که در پیش روی خلقمان داریم وخلق این را طلب می

کند وتمام شرایط عینی جامعه این را میخواهد،ما ازاین کوتاه بیائیم وطبیعی است که هیچ نیروی انقلابی وصادقی حاضرنیست که این آرمانها وعقاید را فدای فشارهای احتمالی بکند، ما حتی ازهمین واقعیاتی که بسرعت در حول وحوشمان رخ میدهد، تحولاتی که صورت میگیرد خیلی آینده را روشن می بینیم،روشنترازآنکه این فشارها،تمام این چماق داریها این راه واین مسیر را سد بکند،ما با ایمان به پیروزی به پیروزی خلقمان که در هر شکلش ونه انتخاب شدن،یا نشدن ، پیروزی خلق در همان ادامه مبارزهٔ ضدامپریالیستی وجداکردن عناصر سازشکار ـ ارتجاعی ازصف خلق ویکپارچه شدن و متحد شدن این مبارزه قهرآمیز ضدامپریالیستی که‌در پیش داریم ما به این امر بیش از هر چیز در مسیرتمامی اشکال مبارزه مان،بیش از هر چیز فکرمیکنیم ومگرآنوقتی که با اسلحه با انفجار با اعدام جلوی رژیم شاه قرارمیگرفتیم جز این

هدف را داشتیم ، جز به انتظار روزی بودیم که این جبههٔ متحد ضد امپریالیستی خلق و تشکلش و سازمانش وتمامی امکانات وتدارکاتش بسیج بشود ، آماده بشود ودرمسیر اهداف انقلاب به پیش برود ، چه آنزمان ، چه اینزمان و چه در آینده ، نیروهای انقلابی جز این هدفی ندارند معلوم است که نیروهای ارتجاع نیروهای سازشکار تلاششان این است که نیروهای انقلابی را با مارکهای مختلف و اتهامات مختلف ازصحنه دورکنند ولی بدلیل اصالتشان ، نیروهای انقلابی در صحنه خواهند ماندوعلیرغم این تضییقات که برآنها واردمی‌آید روند گسترش ورشد آنها یک چیز اجتناب ناپذیری است،خود سقوط شاه بهترین دلیل است که اگر دهها سال توانست جامعه را ظاهراً درحال سکون نگهدارد ولی آن واقعیات عینی که از دل جامعه میجوشد که زمانی درگلوله انقلابیون خودش را متجلی کرد وزمانی درتظاهرات میلیونی

خلق وآنهم با دست خالی شکوفا شد ما آینده را همین جورمی بینیم . هیچ جائی برای نیروهای ارتجاعی وسازشکار دراین جامعه وجودندارد آنها میتوانند وچه بسا بتوانندکه نه تنها این مقطع را بلکه مقاطع آینده را مقداری منحرف بکنند و تضییقات بیشتری فراهم بکنند، ولی این به این معنی است که دیگرهرچه بیشتر به زوال تاریخی خودشان نزدیک شده اندومعلوم است هرنیروئی وقتی به پایان عمرخودش میرسد تشبثاتش ، دست و پازدنهایش بیشتراز پیش میشود . شاید همان زمانهاکه شاه تبلیغ مارکسیست اسلامی میکرد ، علیرغم اینکه هیچ پایگاهی درون توده‌ها نداشت، شاید ابتدا برای محافلی، نیروهائی، این مسئله جاذبه‌داشت یا حداقل تا زمانی که هنوزصف حق وباطل مشخص نشده بود ، آن سلطه دیکتاتوری آن سکون وسکوت جامعه حتی ذهنیتی را برای مردم تشکیل داده بود که کمتر سطوحی از جامعه شاید

ابتدا به ساکن میتوانست برخورد آگاهانه با نیروهای انقلابی و حرکت جدید مسلحانه بکند. البته بدلیل همان فقدان پایگاه توده ای رژیم و شدت و حدّت تضادهای جامعه خیلی سریع این ذهنیت ها ریخت بخصوص که با ضرباتی که انقلابیون به رژیم واردمیکردند. تمام آن افسانه های شکست ناپذیری و ضربه ناپذیری فروریخت، دروغ از آب درآمد وبالاخره در گسترش خودش وبا مجموعه تحولات داخلی وخارجی وعواملی که دراین مسئله دخالت داشت وبازدرراس آن قاطعیتهای واقعا انقلابی امام توانست سرعت و سمت کاملا مشخصی بجریان قیام مردم بدهد. وواقعا هر عنصر صادق و آگاهی الان قطعاً میتواند براین مسئله تاکید بکند و با قضاوت کندکه اگرواقعا نیروهای انقلابی دست اندر کار میبودند این نیروی بسیجی که امام دارد واین محبوبیت واعتماد عمیقی که در بین توده‌ها دارد، چه نیروی سازندهٔ عظیمی میشد ولی متاسفانه

نگذاشتند،سوء استفاده کردندازاین اعتماد مردم نسبت به امام،حتی دیدیم آنوقتیکه جنگ افروزها آنهائی که سرکوب میکردند خلق را ، ملیت ها را در کردستان،در جاهای دیگر،آنوقتی که امام حق تعیین سرنوشت را برای اینها برسمیت میشناسدهنوز که هنوز است جنگ افروزها دست برنمیدارند،هنوز دم ازسرکوب نظامی میزنند وتاآنجائی که دستشان برسد جنگ افروزی میکنند توطئه میکنند ، اگر خاطرتان باشد شاید آنوقتی که جنگ افروزها به هدف خودشان رسیدندوغائله کردستان راه افتادچه فضای تاریکی در جامعه بود،درآن شرایط وقتی که میگفتی راه حل مسئله ملیتها جنگ و سرکوب نظامی نیست میدیدیم که چه اتهامات وفشارهائی وارد آمد اما درست بدلیل همین آگاهی وآمادگی خلق مضافاً درهمان شرایط ومبانی عینی که گفتیم کمترازسه ماه مسئله خودش رانشان داد. پیام تاریخی امام واقعا مشت محکمی بود بر دهان تمام مرتجعین جنگ

افروز که میخواستند بقول خودشان با سرکوب نظامی و راه حلهای نظامی مسئله را ختم کنند. کسانی که در ابتدا هشدار میدادند، اینها کسانی هستند که نمیتوانند سردمدار انقلاب جامعه باشند، نمی‌توانند جامعه را درمسیر اصلی انقلابی و ضدامپریالیستی هدایت بکنند و مگر سابقه دارد در این فاصله کوتاه این نیروها اینطوری رسوا و مفتضح بشوند. این است دلایلی که میگوئیم آینده مان روشن است وفقط پایداری ما، هوشیاری ما، ومقاومت ما علیرغم تمام این تشبثاتی که چه مرتجعین و چه سازشکاران ولیبرالها وارد میکنند تعیین کننده است. چون اساسا راه دیگری در جلوی جامعه ما نیست، راه مسئله حل کن دیگری نیست. شما ببینید چه مسئله ای ازجامعه در طی یکسال اخیر حل شده است از مسائل کوچک نان وگوشت گرفته تا مسائل اساسی ضد امپریالیستی، از پایگاههای رژیم گذشته گرفته تا محافل وجریانهای جدیدی که با شیوه های

آریا مهریشان دوباره همان صحنه‌ها را دارند تکرار می‌کنند. کدام مسئله جامعه ما، کدام دردهای ما، بطور عمیق وریشه ای حل شده است؟ حتی کسانی که در سیستم یک مقداری مواضع رادیکال تر وانقلابی تر داشتند بنحوی از انحاء کنار گذاشته شدند حتی در پائین ترین سطوح. کسی که اگر عمیقاً وفادار به منافع خلق، منافع محرومترین نیروهای جامعه باشد و بخواهد واقعا وعملاً قدمی در این زمینه بردارد به انواع اتهامات غیر قانونی واقدامات خلاف قانون و امثالهم کنارش میگذارند. کسی اگر بخواهد کوچکترین دفاعی از نیروهای انقلابی جامعه بکند با انواع اتهامات بایستی کنار برود. یعنی خلاصه یک پروسه ترقیخواهی زدائی در این یکساله اخیر تجربه شده است، هر جریان ترقیخواهانه باید کنار برود، هر عنصر ترقیخواه باید دستش کوتاه بشود آنهم، کی، با چه شرایطی، مردم ما هزاران شهید دادند که واقعاً آزادی خودشان را ببینند. همه قید و بندها،

عوامل بازدارنده راکنار بگذارند. یکسال نشده ، دقیقا تمام قیدوبندها دوباره برمیگردد. خوب تا کی میتواند ادامه پیدا بکند؟ مگر آن آگاهیهائی که مردم را با سینه باز وبادست خالی جلـــــوی گلوله میبرد تمام شده است، آیا همه اش به جهل تبدیل شده است؟ بله تا مدتی میشود سوءاستفاده کرد. چیزی را جای چیز دیگری غالب کرد ولـــــی واقعیات را چی؟ برخلاف تمام انتظارات مرتجعین و سازشکاران مسیر انقلاب روبه رشد است امـــروز سنگ بیاندازند، دراینجا مانع بشوند، اینجـــا سرکوب کنند ، از هزاران جای دیگر انقلاب رشـــد خواهدکرد. کما اینکه در زمان رژیم شاه به هـــر شیوه ای متشبّث میشدند. دقیقاً در مسیـــر رشد انقلاب وتحریک و بسیج بیشتر مردم بود اگر ایـــن شیوه های آریامهری حق است پس بایستی جامعه را بسمت وحدت بیشتر ببرد مسائل جامعه را بیشترحل کند ، قیدوبندهای ارتجاعی وامپریالیستـــی را از

دست وپای خلقمان بیشتر بازکند ولی اگر شاهد
عکس این جریان هستیم ، اگر شاهد تعمیدنیروهای
وابسته هستیم، اگر شاهد تطهیر عناصر ارتجاعی،
ساواکی ، جاسوس،هستیم که با طمطراق حتی ازشان
حمایت میشود وخودشان دست اندرکار هستند اگرما
شاهد اینها هستیم خوداین دلالت براین دارد که
مسیر غلط است ولی اگر اینهابتواندجامعه مان را
در زمینه های مختلف اقتصادی ، سیاسی ،اجتماعی
روبه جلو ببرند ، اگرمشکلی را بتوانندازجامعه
ما حل بکنند این تضادها این تفرقه ها ، این
مسئله ملیتها ، این شوراها ، اینها رابتوانند
تحقق ببخشند هر نیروئی هرچقدر هم ادعاداشته
باشد غیرممکن است که بتواند اخلال اساسی دراین
مسیرچنین سیستمی بکند. آنهم باچنین پشتوانهٔ
مردمی که حاضر بودندوحاضرهستندواقعاً در یک
مسیر صحیح همه چیزشان رافداکنند آیا جزاین
است که مادریکسال اخیر شاهدنه تنها حل تضادها

نبودیم بلکه تشدید تضادها را شاهد بودیم. حتی در اشکال جدید، مشکلات ما صور جدیدو پیچیده‌تری بخود گرفتند آیا اینها همه اش دلیل این نمیشود که این مسیرها واین روشها، واساساً ماهیت عناصری که دست اندرکار وسردمدار هستندمتناسب با این مرحله ازانقلاب نیست؟ دراینجاست که بدون هیچ اغراق وبدون هیچ پرده پوشی بایستی تاکید بکنیم این واقعا انقلابیون هستند که بایستی انقلاب راادارہ کنند. هر روزش جامعه مان شاهد این حقیقت است. مگرکم امکان دست محافل حاکم بود؟ تمامی امکانات، تمامی خلق بسیج شده، دراختیار اینها بود. بااین نیرو چه مسئله‌ای میتوانست حل نشود وچرا این تضادها، این تفرقه‌ها، این جنگ افروزیها واین سقوطها را پشت سرهم مواجه اش هستیم. آیا این بی ربط است با این مسئله که تنها درداساسی سیستم، کوبیدن و سرکوب انقلابیون است؟

آیا آن سازشکاریها ، آن رشدتضادها ، آن روی سکه سرکوب انقلابیون نیست ؟ معلوم است وقتی که این سردمداران ومرتجعین عنوان مجاهدانقلابی و امثالهم بگیرند مجاهدین خلق بایستی عنوان ـ منافق بگیرند،بهرحال این مرحله حساس ایجاب میکند که مابتوانیم آن رسالت تاریخیمان را در این مرحله بنحواحسن انجام بدهیم.البته صحبت از ماکه میکنیم منظورهمهٔ نیروهای آگاه وانقلابی جامعه است ، همهٔ نیروهای ترقیخواه است و همهٔ آنهائی که دلشان بخاطر این خلق وبخاطر این انقلاب میطپد ، همانهائی که حاضرند علیرغم تضییقات وفشارهائی که برآنها میآید از ترویج حقیقت کوتاهی نکنند ، من بلحاظ اینکه یک مقداری صحبت طولانی شد از شما معذرت میخواهم و درهمین جا خداحافظی میکنم

موفق باشید

کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران
۱۳۷۴